

نشریه اجتماعی سیاسی فرهنگی مدار
شماره سوم - مرداد ۹۹



شیدا

کمی
قانع باشیم

پنجره را
باز کن

دانشجو
مؤذن
جامعه

اهدای
زندگی

درسی
فراموش
نشدنی

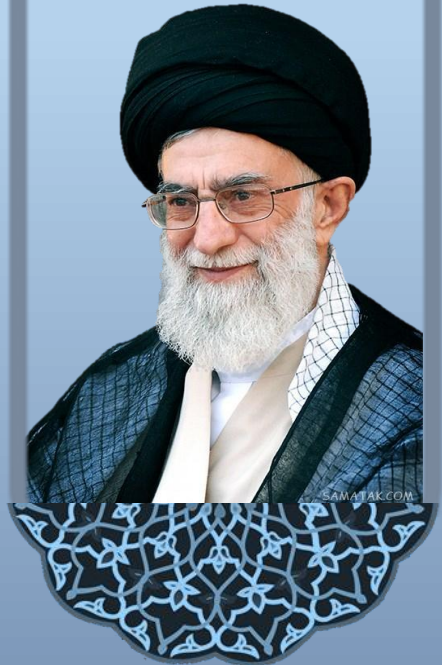
معرفی
کتاب

تحویفن

به سوی
غدا

حقوق
بسی بشر

در جامعه‌ای که بر محور
آموزش و پرورش، معلم
مرکز کانون دایره و محور
کانون حرکت است.
مقام معظم رهبر



صاحب امتیاز :

بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان

پردیس رسالت زاهدان

مدیر مسئول :

فاطمه ظهیری

سر دبیر :

الهام اسدی

طراح و صفحه آرا :

مطهره شهرکی

هیئت تحریریه:

محدثه پسکوهی مبینا جهان تیغ

راضیه اسکندری الهام اسدی

وحیده قاسمی ریحانه مودی

نرجس عظیمی فاطمه ظهیری

مطهره شهرکی

سخن سردبیر

عرض سلام و ادب و احترام ، خدمت همه ی خوانندگان ارجمند نشریه مدار
با عنایت و لطف پروردگار ، سومین شماره این نشریه اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی
، را تقدیم نگاهتان میکنیم .

مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در بیانیه گام دوم انقلاب ، بر لزوم تلاش برای
نزدیک کردن انقلاب اسلامی به آرمان والایش، یعنی ایجاد تمدن نوین اسلامی تأکید
کردند ؛ امید است نشریه مدار بتواند گامی محکم در راستای رسیدن به تمدن نوین
اسلامی بردارد

از شما بزرگواران خواهشمندیم هر گونه پیشنهاد و انتقاد خود را به آدرس
nashrie_madar @

در پیام رسان بله یا تلگرام ارسال کنید

کمی قانع باشیم!

تأملی در مسائل موجود، بر سر راه ازدواج جوانان یکی از شاخصه های زندگی غربی که از چندسال گذشته رواج نسبتاً کثیری در جوامع اسلامی به خصوص در کشور ما داشته است، پدیده «تجمل گرایی» می‌باشد. این خصیصه زندگی غربی امروزه اما، بسیاری از ابعاد زندگی خانواده‌های ایرانی را تحت تاثیر خود قرار داده است. همین باور غلط متاسفانه با ترویج خود در فرهنگ اصیل ایرانی عده کثیری از جوانان ما را، که خواستار امر مهم ازدواج هستند با بلاتکلیفی و تشویش مواجه ساخته و فی الحال ما شاهد عدم گرایش بسیاری از جوانان به ازدواج هستیم. مراسم عقد در فلان تالار،حلقه های نامزدی چند میلیونی ،فلان خانه با فلان جهاز چند میلیونی... اینها تنها بخشی از مواردی است که امروز ذهن جوان‌های ما را به حاشیه کشیده است و آنها را از هدف مهم و بنیادی ازدواج دور کرده است. در این زمان متأسفانه تجمل‌گرایی و چشم وهم چشمی های زیادی را بین خانواده‌ها شاهد هستیم، به عنوان مثال : خانم خانواده با چشم و هم چشمی از دیگران به، مرد خانواده می گوید همان لوستری را می‌خواهم که در خانه فلانی بود ، همان دست مبلی را می‌خواهم که در خانه آن بود ، و ...

فی الواقع زمانی که مرد خانواده به دلیل درآمد کم از تهیه آن عاجز است، زن داد و هوار راه می‌اندازد و متأسفانه همین امورجزئی میان تعداد زیادی از زوجین منجر به طلاق های عاطفی می شود و خب این امر خودش هم دست کمی از طلاق و جدایی به معنای واقعی ندارد.

یکی از مهم ترین و کلیدی ترین راهکار ها، پایین آوردن توقعات نابجا در خانواده ها ، رجوع به قرآن کریم و سیره پاک شهادست. در این میان اما چه بسیاریند خانواده هایی که زندگیشان به سبک زندگی اسلامی است،و زندگی را جور دیگر معنا میکنند.مثالی در همین خصوص از زندگی شهدا برای شما بزرگواران نقل می کنم؛

همسر شهید یوسف کلاهدوز خاطره روز ازدواجشان را اینگونه روایت می کنند؛ایشان ذکر میکنند که حتی آینه و شمعدان هم نخریدند ، الان اگر کسی هیچ خریدی نکند، لااقل آینه و شمعدان را می‌خرند ، ولی این دو زوج خیلی به این چیزها پایبند نبودند خود شهید هم علاقه‌ای نداشتند، تمام خرید عقدشان یک حلقه بود ، با یک جفت کیف و کفش سفید، سر عقد هم عروس خانم لباس سفید خواهرشان را پوشیدند. آری زندگی شهدای اینگونه بود. در درگاه خداوند منان آرزو دارم، زندگی ها و ازدواج ها در جامعه به سبک اسلامی و شهدایی باشد ان شاءالله .

حقوق بی بشر

هفت دهه از تهاجم وحشیانه و نا بحق رژیم صهیونیستی، به ساکنان ستمدیده سرزمین دیر قدمت فلسطین ، مظلومانی که از وطن آبا و اجدادی خویش رانده شده اند،باحماییت مستقیم ستمگران زمان،می گذرد اما هیچ یک از سازمان های بین المللی، در واقع آمریکایی ها و اروپایی ها که خود را مدافع حقوق بشر میخوانند، گامی برای ستاندن حق مسلم مردم شریف فلسطین از ظالم صهیونیستی بر نداشته اند.

"اعلامیه جهانی حقوق بشر " میگوید ؛ همه ی انسانها بدون هیچ تمایزی در نژاد ،رنگ ، جنسیت ،زبان ،مذهب و عقیده سزاوار تمامی حقوق و آزادی‌های بشری هستند ؛ اما حگام کشورهای غربی در عمل این حق را برای ملت اصلی فلسطین زیر پا میگذارند .

اگر چه کشورهای اسلامی (عمدتاً کشورهای عربی)،از منظر هم نژادی یا هم تباری با فلسطینی ها نسبت به ظلم های اشغالگران صهیونیستی به آنها موضع گرفته و سالها محکومشان کردند . اما به مرور با قدرت یافتن رژیم اشغالگر قدس تحت حمایت های آشکار و مستقیم آمریکا و انگلیس ، برخی از کشورهای عربی به صورت مخفیانه یا آشکار با آن رژیم غاصب ارتباط برقرار کرده و شروع به عادی سازی اشغالگری صهیونیست ها و تشدید آوارگی فلسطینی ها نمودند .

فلسطینی ها به زور اسلحه ، تهدید و قتل و... از وطن خود رانده شده و سازمانهای بین المللی در برابر این جنایت آشکار و وقیح سکوت کرده اند.

وظیفه شورای امنیت سازمان ملل متحد، حل مسئله فلسطین بوده اما هر زمان که این موضوع در آن شورا مطرح شده بلافاصله با قلدری تمام از سوی نمایندگان دولتهای آمریکا و انگلیس و...رد شده و بطور عامدانه به آن رسیدگی نشده است .

در واقع سازمان ملل متحد در مورد مسئله فلسطین و تجاوز دامنه دار صهیونیسم ها به تنهایی تصمیم گیرنده نیست .

افکار عمومی و جهان اسلام خواهان تداوم مقابله با رژیم اشغالگر تا آزاد سازی فلسطین عزیز اند . در این میان "روز جهانی قدس "و قراردادن این روز به عنوان محور مقابله با صهیونیسم اشغالگر ، که میتواند عاملی در حمایت از فلسطینی ها باشد، بسیار تاثیر گذار است .

راضیه اسکندری



به سوی غدیر

و سفید با گوش های خود جمله "من کنتُ مولا فهذا علیّ مولا" یا به عبارتی "هر آنکس که مرا سید و آقا و سپهدار خودش دید،بداند که علی بعد من آقای جهان است." را از زبان پیامبر(ص) شنیده و بالا رفتن دست مولا علی علیه السلام را با چشم خودشان دیده اند. این، نشان از عصمت مولا دارد. و سلام بر شما تنها امیر المومنین عالم ؛غدیری که به برکت وجود شما جاری شد، همیشه و تا ابد می جوشد و انسان های تشنه و طالب حقیقت را سیراب میکند.

غدیر ، یک اتفاق ساده نیست؛یک انتخاب آسمانی و الهی است .انتخاب بهترین جانشین برای بهترین پیامبر و سلام بر مهدی موعود که یادگار غدیر است... مولای من ، باز غدیری دیگر می آید و شما که وارث غدیری در میان ما هستی ولی از چشمها پنهانی، دعایمان کن که تا، لحظه ظهورت غدیری بمانیم .

ریحانه مودی

درسی فراموش نشدنی

شرحی کوتاه از حوادث کودتای ۲۸مرداد ۱۳۳۲
بلا را ما انتخاب نمی کنیم، بلا غالباً خودش سرزده می آید و ماهیچه های خواب آلود تاریخ را به تحرک وا می دارد. بلا می آید تا تاریخ زخم بستر نگیرد.
دقیقا لحظه ای که همگان در شهری پر پیچ و خم و خاموش گم و گور شده اند، و بی مقصد به دیوار های بلند روزمرگی می خورند، فتنه ای جرقه می زند و هنگامه ای تجلی می کند.فته ترفند خداوند است برای ورق زدن تاریخ، برای زیر و رو کردن همه چیز، ارباب و رعیت، ظالم و مظلوم، گمراه و هدایت شده، غمگین و خوشحال، نگران و امید وار.



تایستان سال ۱۳۳۲ انگلیس پیشنهاد داد و آمریکا پذیرفت. و نقشه کودتا که چندین ماه قبل کشیده شده بود، در روز ۲۸ مرداد به اجرا در آمد.

۲۸ مرداد، روزی که خیابان های تهران صحنه عریده کشی هواداران شاه و بر هم زدن امنیت عمومی شد. چند ساعت بعد برنامه های رادیو قطع شد، یک نفر پشت تریبون قرار گرفت و گفت: الو، الو! اینجا تهران؛ الو، الو! اینجا تهران؛ مردم! خبر بشارت آمیز. چند دقیقه دیگر سرلشکر زاهدی، نخست وزیر، پیام شاهنشاهی را برای شما قرائت می کند. مردم شهرستان های ایران بیدار و هوشیار باشید. مصدق خائن فرار کرده است... مردم حسین فاطمی را قطعه قطعه کردند...

شاه کجاست؟!

روز ۲۲ مرداد شاه دو برگه را به اصرار دربار و اشرف، خواهر دو قلولی خود، امضا کرد، اشرف با حمایت انگلیس، توانست شاه را راضی کند که برگه ها را امضا کند، یکی از آن ها فرمان عزل مصدق و دیگری فرمان بر سر کار آمدن فضل الله زاهدی، از فرماندهان ارتش بود. شاه از راه احتیاط تهران را ترک و به بهانه استراحت به سواحل خزر می رود.

فرمان به اجرا در آمد، دولت مصدق با کمک شاه و ارتش و حمایت آیت الله کاشانی سقوط کرد،و مصدق دریکی از دادگاه های نظامی محاکمه شد. و به سه سال حبس انفرادی محکوم شد. مصدق پس از تحمل سه سال

زندان به دستور محمد رضا شاه به قلعه احمد آباد تبعید شد و تا پایان عمر خود تحت نظارت شدید سربازان بود ،

بالاخره مصدق در تاریخ ۱۴ اسفند ۱۳۴۵ در سن ۸۷ سالگی در اثر بیماری سرطان درگذشت.

کودتای 28 مرداد به نهضت ملی مردم ایران برای استقلال نفت از بیگانگان، مهر خاتم زد تا سال 1342 که امام خمینی(ره) نهضت جدید اسلامی را با توجه به تجربه‌های ملی شدن صنعت نفت و مشروطه آغاز کرد.

مبینا جهانتیغ

معرفی کتاب

میخوام از روزای جوونی خودمون بگم ، ماها بچه های دهه هفتادی که شدیم جوونای حال حاضر خیلی راجب انقلاب شنیدیم و خوندیم اما میدونیم که خیلی درکش نمیکنیم

ماها شاید خلیلامون عاشق رمان خوندنیم و خلیلامون دبیرستان که بودیم حسابی رمان عاشقونه خوندیم پس براتون یه رمان عاشقونه آوردم با چاشنی سیاست،تو این کتاب تصویر سازی به خوبی صورت گرفته و متن روانش باعث جذب خواننده هایی در رده های سنی مختلف شده،راوی این قصه مرد عاشقیه که عاشقانه های زندگیش مثل پیچک پیچیده به تلخی تاریخ معکوس



این کتاب اسمش هست «ارتداد» به قلم وحید یامین پور از انتشارات سوره مهر، یه عاشقانه ی سیاسی ویا در حقیقت یک بیانیه سیاسی در دل حادثه ای عاشقانه است که گاهی باعث میشه لایه لای کوچه های تهران حوالی دی و بهمن ۵۷ خودتو جا بذاری وبه خودت بگی اگر چنان نمیشد ،چنین میشد؟! در بخشی از این کتاب میخونیم:

پوست دست هایت از مچ تا آرنج خراشیده شده و به خون نشسته است و چانه ...
-دریا زمین خورده ای؟
دستم را آرام زیر چانه ات میگیرم و سرت را بلند می کنم دلم ضعف می کند؛
یاد خاطرات شکنجه ات می اقم
-یونس،امام را بردند.میفهمی؟!بردند.
حالا بلند بلند گریه میکنی ..

مطهره شهرکی

خاطرات یک دانشجو معلم

گاهی خدا بادست تو،دست دیگر بندگانش را می‌گیرد.

با زبان تو،گره از کار بنده ای باز میکند.

وقتی دستی به یاری میگیری،بدان که در آن زمان

دست دیگر تو در دست خداست.

ادامه ی داستان..

بعد گذشتن از محوطه ای که پوشیده از درختای کاج بود.وارد ساختمون اصلی شدیم و به سمت کلاس رفقیم»گروه۳۰«

فضای کلاس زیاد بزرگ نبود ،یک پنجره بزرگ که رو به محوطه درحال ساخت باز می شد.

یککولر،تخته وایت برد و پروژکتور....

صندلی کنار زهرا رو برای نشستن انتخاب کردم ومشغول تماشای کلاس شدم!

بعد از چند دقیقه استاد وارد کلاس شد

مردی۴۵-۴۰ساله ،با قدی متوسط و موهای جوگندمی، شروع به معرفی خودش کرد ؛ استاد فلسفه تعلیم و تربیت ! از همون اول کار، شروع کرد به جزوه گفتن و ما هم شدیم مُلا بنویس! هنوز نیم ساعت از کلاس نگذشته بود که ،صدای ناله بچه ها از نوشتن مدام در اومد، بعد از کلی خواهش و التماس استاد راضی شد ، پنج دقیقه استراحت بده! حوصلم حسابی سر رفته بود و از نوشتن زیاد انگشتای دستم مثل چوب خشک شده بود ، خلاصه اینکه اولین کلاس ، روز اول دانشگاه هم ، با همه ی بی محتوایی و خستگیاش تموم شد ،به خوابگاه برگشتم ، لباسامو عوض کردم و با بقیه دخترا به سمت سلف رفقیم، ورودی سلف یه راهرو طولانی بود که تا چشم کار میکرد پر بود از دانشجو های خسته و گرسنه ای که صف بسته بودن

بعد از خوردن غذا، کمی استراحت کردیم ، بعد از اون زهرا اومد کنارم ، خیلی آشفته و ناراحت به نظر می رسید ، تا پرسیدم چی شده مثل یه بمب منفجر شدو شروع کرد به حرف زدن؛

اون می گفت ؛ از سالای پیش عاشق معلم شدن بوده، عاشق اینکه بتونه با حرف و عمل درستش آینده سازی این کشور رو راهنما بشه ، برای همین تموم تلاشش رو کرده و حالا اینجاست «دانشگاه فرهنگیان»؛

ولی حالا با دیدن نحوه تدریتس استاد فلسفه واقعاََ شاکی شده بود، یکی از دلایلش این بود که رشته ی

دبیرستان زهرا تجربی بود

وتا حالا با فلسفه آشنایی

مفصلی نداشت، اون

می‌خواست خیلی دقیق تر

وارد این حـوزه بشه ،

یه علتنشم این بود که زهرا

میدونست ، فلسفه

، فلسفه تعلیم و تربیت ، فکر آدم رو میسازه و به اون جهت میده، وقتی آدم مبنای فکری درستی داشته باشه ، میتونه به سایر افراد هم راه درست رو نشون بده، آخرش گفت ، میخواد عدم رضایتش به نحوه ی تدریس استاد رو، دفعه بعد با خود استاد مطرح کنه و از من و چند نفردیگه خواست تا حمایتش کنیم ، قبول کردیم ، تا جلسه بعد دقیقا یه هفته وقت بود ، زهرا تو این مدت همش از ضرورت نقشمون به عنوان معلم و اهمیت درس فلسفه و اینکه باید مطالبه گر حقمون باشیم می گفت ، جوری که بعد این یه هفته، هممون با تموم وجود آماده بودیم تا حقمون رو از استاد مطالبه کنیم، بعد گذشت یه هفته دومین جلسه از کلاس فلسفه تعلیم و تربیت رسید ، قرار شد ، بعد حضور غیاب و قبل اینکه دوباره بریم تو نقش مُلا بنویس ، حرفمون رو مطرح کنیم، استاد وارد کلاس شد ، بعد حضور غیاب، زهرا سلام داد و با نهایت احترام گفت...

منتظرقسمت چهارم بمونید

وحیده قاسمی

تحو لی فن!

بیانی کوتاه از ضرورت تحول بنیادین آموزش و پرورش و نقش معلمان در آن
همانطور که در گذشته ذکر شد ، آموزش و پرورش ما یک نظام وارداتی و غربی است و با شکل گیری انقلاب اسلامی ، متأسفانه نظام آموزشی ما اساساً منقلب نشد و هنوز بر همان ریل غلط در حرکت است ، پس از انقلاب ، تنها یک سری تحولات رو بنایی در کتاب های درسی شکل گرفت، که کافی نیست و راه به جایی نمی برد، همینطور گفته شد ، وقتی انقلابی شکل می گیرد ، باید برای خود یک ادبیات برخواسته از تفکرات و آرمان هایش تدوین کند ، چرا که این ادبیات است که مبنای کار های امروز و آینده ی کشور است و نتیجه‌ی آن در جامعه جاریست ، اگر انقلابی صورت گیرد ولی با ادبیاتی ضد مبانی فکری و آرمان های خود پیش برود ، بعد از مدتی شکست می خورد .

به فرموده مقام معظم رهبری (مدظله العالی) حساس ترین و مهم ترین بخش اداره ی یک کشور ، آموزش و پرورش است ، این نظام سنگ بنای آینده ی کشور است . نسل آینده از دل این نظام بیرون می آید و وارد جامعه می شود ، اگر ما مشکلاتی در زمینه های اخلاقی و رفتاری ، اعتماد به نفس ملی و عمومی و در زمینه های گوناگون داریم ، در ریشه کاوی این ها به آ.پ میرسیم . اگراین نظام در یک کشور ارتقا پیدا کند و اصلاح شود ، در اقتصاد ، سلامت و بهداشت ، محیط

، زیست ، مرگ و میر، باروری ، زیبایی و هنر ، رفتار های گوناگون مردم در سطح جامعه با یک دیگر، و فراتر از همه این ها در دین ، فلسفه و اخلاق تاثیر خواهد گذاشت .در حقیقت نگاه به آموزش و پرورش باید یک نگاه «حاکمیتی» باشد و تمام نظام های دیگر در راستای اهداف نظام آموزشی برنامه ریزی و عمل کنند. الحمدلله پس از درک ضرورت تحول ، جمعی از با تجربگان و متفکران ما گرد هم آمدند و با سالها تحقیق و پژوهش ؛سندی بر مبنای تفکرات ناب اسلامی تدوین کردند ، به نام «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» که در سال ۱۳۹۰ به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید ، به فرموده ی مقام معظم رهبری (ارواحنافداه) این سند میتواند آموزش و پرورش را ؛ به سر منزل مورد نظر برساند . ولی متأسفانه تا به امروز کار «جدی» در راستای اجرایی شدنش انجام نشده .برای اجرایی شدن این سند ، باید تمامی مخاطبین آن، وظیفه ی خود را به درستی بشناسند و با صبر و حوصله در راستای رسیدن به مطلوب تلاش کنند . لازمه ی تحول بنیادین که یک کار تدریجی است ، تلاش مضاعف همراه با بردباری است و نباید توقع داشته باشیم که به سرعت، به نتیجه ی نهایی برسیم و اما نقش ما به عنوان معلم در این تحول اساسی «اصلی ترین» نقش است ؛زیرا این معلم است که به طور مستقیم با کودکان و نوجوانان آینده ساز این کشور ارتباط دارد .این معلم است که حتی اگر کتاب هم محتوای درستی نداشته باشد، با تدبیر ، بصیرت ، خلاقیت و نشاط و انگیزه آن چیز درست را به دانش آموزان می آموزد، لکن بر عکس این قضیه ، اگر کتاب هر چقدر هم خوب باشد، ولی معلم با تدبیر و انگیزه و... نباشد و تنها برای از سر باز کردن درس بدهد ، چیز زیادی نصیب دانش آموز نمی شود .الحمدلله، نسبت به قبل شرایط خیلی آماده تر است و بصیرت مردم افزایش پیدا کرده است، افراد علاقه مند به کار زیادند ، هم اکنون «نقشه راه» هم در اختیار ماست و به ما نشان می دهد که از چه راهی و در نهایت باید به چه چیزی برسیم ، هدف همان «تربیت نیروی طراز جمهوری اسلامی» است ، بنابراین نظام آ.پ ما باید درست بشود و بر پایه ی تفکرات اسلامی مان قرار گیرد، چرا که ما به عنوان ملت ایران کار بزرگی را بر دوش داریم . باید در

راستای تمدن سازی نوین اسلامی قدم برداریم و زمینه ساز ظهور شویم. باید به این قضیه نگاه کلان شود وقتی این اتفاق بیوفتد، راه را گم نمی کنیم و از یک گوشه ای شروع به کار می کنیم، شاید یکی دیگر که این نگاه کلان را ندارد، نتواند تشخیص دهد هدف ما چیست؛ ولی با داشتن آن و نقشه ی راه و همین قدم به قدم پیش رفتن ان شاء الله، آن تحول اساسی رقم خواهد خورد، ین نیاز به همکاری همگان دارد .لکن برخی مسؤولین با بدفهمی نه تنها

این سند را اجرا نکرده؛ بلکه برخی از طرح های پیشنهادی آن را کاملاً متفاوت با طرح اصلی اجرا کرده اند و اینجاست که باید معلم انقلابی و وظیفه دان وارد میدان شود و در حد خود تلاش بکند و جایی که لازم است مطالبه ی حق کند و در جایی که کاری از دستش بر می آید خود به عرصه ی عمل قدم بگذاردالبته اینگونه نیست که بگوییم ما در میدان باز و آزاد از هرگونه حمله و دخالتی داریم کار می کنیم، اتفاقا دشمن خیلی در تلاش است و برای نسل آینده ی ما برنامه دارد و می خواهد آنها را جوری بار بیاورد که مثل او فکر کنند ، فرهنگ و سلیقه او را داشته باشند، در اهمیت نقشمان در این جنگ فرهنگی، عقیدتی همین بس که ، رهبر معظم انقلاب می فرمایند؛ در این عرصه جنگی به پاست ، سرباز خط مقدم این جبهه من و شما ی معلم هستیم ، ان شاء الله در شماره های بعد به طور جدی به تحلیل و ایده پردازی و ارائه ی راهکار برای اجرایی شدن سند تحول بنیادین می پردازیم و تمام تلاشمان را در این راه می کنیم .

فاطمه ظهیری

دانتتجو موذن جامعه

دانش آموز، علم را می آموزد و دانش معلم را فرامی گیرد ،اما دانشجو؛ جوینده دانش است.او خود باید فعال، مطالبه گر، پر از جنب و جوش ، بانشاطو همچنین نسبت به مسائل موجود دغدغه مند باشد.دانشجویان این پهنه،باوجودمشکلات سرراه ،همیشه فریاد عدالت خواهی سر داده اند،چه پیش از انقلاب، بچه در طول شکل گیری انقلاب و چه بعد از آتی شک، حضور دانشجویان نقش پر رنگی در به ثمره رسیدن جوانه انقلاب داشته است ،از تاثیرشان در حادثه هایی که منجر به ملی شدن صنعت نفت شد تا تسخیر لانه جاسوسی آمریکا و.... یا حتی علت نامگذاری یک روز از تقویم، به نام این قشر همه،نشان دهنده اهمیت این طبقه مردمی و صدق این گفته هاست.به قول شهیدبهشتی: دانشجو مؤذن جامعه است،اگر خواب بماند ،نماز امت قضا می شود!دانشجو مسؤل آگاهی مردم است و اگر خود فارغ از تمام خبر ها و چالش ها باشد ، یک فاجعه بزرگ رخ می دهد .یک دانشجوی مسلمان علاوه بر جدیت در درس ها، وظایف دیگری نیز دارد و آن خودسازی و توجه به مسائل معنوی ، سیاسی و اجتماعی کشور و دانشگاه است.مشارکت سیاسی، یکی از مهم ترین و اصلی ترین مطالبات دانشجویی کشوراست. دانشجوی سیاسی موفق به کسی گفته می شود که :



به درجه بالایی ازبینش ودرک سیاسی رسیده باشد که درقبال سرنوشت خود،جامعه و مسائل سیاسی، حساسیت لازم را داشته باشد.در زمینه مشارکت سیاسی، سه تفکر وجود دارد که عبارتند از:

1-عهده ای مخالف سیاسی بودن دانشجو و هرگونه فعالیت سیاسی او هستند. مقام معظم رهبری می گوید: «در محیط دانشگاه، بعضی ها حوصله حرکت ندارند؛ می گویند بگذار کارهایمان را بکنیم؛ درسمان را بخوانیم؛ زودتر این ورق پاره را بگیریم و مثلاً دنبال کاری برویم... اینها مشمول بیداری، خیزش و حرکتی که عنوان دانشجویی دارد، نیستند.

2-برخی دانشجویان در واقع، فاقد درک و بینش سیاسی هستند و تنها نقش پیرو دارند !این گونه از دانشجویان بیشتر ترویج دهنده تفکراتی خاص هستند و بدون تفکر و تعقل هر آنچه می بینند را می پذیرند،گاهی حتی حزب های مختلف ازاین گونه از دانشجویان منشأ میگیرد.

3-دسته سوم با رویکردی واقع بینانه، با توجه به جایگاه دانشگاه و دانشجو و نقش مهم آن در ساختار اساسی کشور، بر ارتقای سطح بینش و تحلیل سیاسی دانشجویان، حفظ استقلال و مشارکت سیاسی مناسب با نقش و کارکرد های دانشجویی، تأکید و اهتمام دارند.پس،حواسمان باشداگرمیخواهیم وارد هموارد جنبش دانشجویی شویم ، با دغدغه مندی ، بینش، تلاش ،اراده ، علم و آگاهی قدم در راه بگذاریم.حکایت همچنان باقی ست اما این بحث رابااین بیان رهبرمعظم انقلاب(مدظله العالی)که درجلسه پرسش وپاسخ دانشگاه شهیدبهشتی،به پایان می‌رسانیم :

به ما بگویید در این اوضاع آشفته،وظیفه ی یک دانشجوی آگاه و آماده درمقابل جریان های سیاسی مختلف چیست؟

درست فکر کردن، درست تحلیل کردن،تحلیل درست را به دیگران منتقل کردن و سعی در،روشن و آگاه کردن کسی که فکر می کنید ،ناآگاه است.(۱۳۸۲/۲/۲۲)

محدثه پسکوهی

اهدای زندگی

به نام خالق مهربانی ها

نهم مرداد هر سال روز اهدای خون نام گذاری شده است . روزی که تبلور زیبایی انسانیت و مهر ورزی ست .

اهدای خون امید به زندگی را در افراد نیازمند به این مایع حیات بخش ارتقا میدهد و سبب التیام روند درمانی آنان میشود.

بزرگواران جدای از اینکه این عمل کاری خدایسندانه و عامل نجات جان سایر افراد است مزایای ارزشمندی هم برای فرد اهدا کننده دارد ، که به اختصار به بیان آن میپردازم :

۱_مورد معاینات پزشکی قرار گرفتن

۲_ کاهش بیماری های قلبی ،عروقی و سکته قلبی و مغزی

۳_فعال شدن مراکز خون بدن

۴_کاهش اضطراب و ایجاد احساس پویایی و تعهد

مصرف کنندگان اصلی خون و فرآورده های آن در ایران عبارت اند از :

بیماران تالاسمی ؛بیماران مبتلا به انواع هموفیلی ؛بیماران دیالیزی ؛بیماران نیازمند به جراحی های بزرگ (قلب ،ریه ،مغز استخوان و...) ؛پیوند اعضا ؛ سوختگی های شدید و...

افرادی میتوانند اهداکننده باشند که :

_ ۱۷ تا ۶۵ سال سن داشته باشند .

_حداقل وزن آنها ۵۰ کیلوگرم باشد.

_تعداد نبض آنها بین ۵۰ تا ۱۰۰ ضربه در دقیقه و فشار خون آنها بین ۹۰ تا ۱۸۰ میلی متر جیوه باشد .

_ حداقل فاصله زمانی میان هر اهدا هشت هفته کامل باشد و...

هموطنان ارجمند !بیایید با اهدای خون خود، خصوصاً در حال حاضر، که به دلیل شیوع بیماری کرونا ، آمار مراجعه افراد به مراکز اهدای خون به شدت پایین آمده است،جان افراد نیازمند و بیمار را نجات دهیم . زندگی آن هموطن ما که در جدال با مرگ است با اهدای خون من و تو میتواند ادامه یابد و بس!!!

الهام اسدی



پنجره رو باز کن

پنجره رو باز کن؛ اونور یه خبرایی هست.

گذری بر مسائل زنان ، در کشور های توسعه یافته

شاید برای شما هم اخبار جهان به خصوص در مورد خانم های کشور های توسعه یافته در زمینه های مختلف جالب باشد.

بنابراین به تحقیق در چند زمینه مرتبط به آن ها پرداختیم. از جمله مواردی که می‌توان در زندگی خانم ها از آن نام برد ، می توان به :

اختلاف میزان حقوق دریافتی اشاره کرد . طبق خبرگزاری <https://www.catalyst.org>متوسط درآمد سالانه زنان در سطح جهان 11،500 دلار است که در مقایسه با 21.500 دلار برای آقایان است.

در بین کشورهای OECD (37 کشور در سراسر جهان ، از شمال و آمریکای جنوبی گرفته تا اروپا و آسیا و اقیانوسیه که استرالیا، ایسلند، کانادا، فرانسه، آلمان، فنلاند، اسرائیل، آمریکا و انگلیس را هم شامل می‌شود.) شکاف دستمزد جنسیت 13.4 درصد است.

علل اصلی شکاف حقوق جنسیتی شامل تفکیک جنسیت در مشاغل ، اختلاف در دستیابی به تحصیلات ، مسئولیت های مراقبتی است که به شدت به زنان تعلق می گیرد ، عدم شفافیت در پرداخت حقوق و تبعیض و تعصب را هم نمی‌توان نادیده گرفت، مانند حقوق زنان سیاه پوست در برابر سفید پوستان. ناگفته نماند شکاف دستمزد جنسیتی با افزایش سن زنان هم افزایش می یابد در حالیکه برای مردان اینگونه نیست.



در سراسر اتحادیه اروپا شکاف دریافتی حقوق به دلیل جنسیت تفاوت قابل توجهی دارد. در سال 2018 ، استونی بالاترین شکاف دستمزد جنسیتی را در اتحادیه اروپا اعلام کرده است که زنان بر اساس متوسط درآمد ناخالص ساعتی ، 22.7 درصد کمتر از مردان کسب می کردند. در عوض، افسردگی، تنش و اضطراب مسئله ایست که آمار آن در زنان بیشتر است.

افسردگی : طبق مقاله ایی در خبرگزاری <https://www.euronews.com>

شعار روز جهانی بهداشت در سال 2017 میلادی «بیا در مورد افسردگی حرف بزنیم» نام گرفت.

با نگاهی به کل جمعیت ، کشورهای اروپای غربی بالاترین سهم افراد مبتلا به افسردگی را گزارش دادند. ایرلند دارای بالاترین سهم (12٪) و پس از آن پرتغال ، آلمان و فنلاند قرار دارند.

افسردگی با میزان خودکشی زیاد ارتباط نزدیکی دارد. لازم به ذکر است که نه کشور با بالاترین میزان خودکشی در جهان ، همه در منطقه اروپا هستند چرا که افسردگی در بین جوانان اتحادیه اروپا رتبه بالایی دارد. خودکشی : سازمان بهداشت جهانی در اول سال 2020 گزارشی را درباره میزان و نرخ خودکشی در بین کشورها را منتشر کرده است.

بر اساس این گزارش، میزان خودکشی در ابتدا سال 2020 نسبت به اوایل سال گذشته افزایش قابل توجهی داشته است؛ نکته جالب این است که این آمار در بین کشورهای صنعتی و پیشرفته گسترده‌تر از کشورهای ضعیف و فقیر به چشم می‌خورد! همانطور که در خبرگزاری <https://www.euronews.com>2در سال 2018 آمده

است، در برخی کشورها مانند روسیه و ایالات متحده آمریکا خودکشی جز ۱۰ عامل اصلی مرگ و میر به شمار می‌رود. و طبق اطلاعات "سازمان جهانی بهداشت" نرخ خودکشی در کشور ژاپن 18.5 نفر از 100 هزار نفر است و سالانه تعداد 23 هزار و 532 نفر اقدام به خودکشی می‌کنند.

<https://www.catalyst.org/research/womens-earnings-the-pay-gap>1

<https://www.euronews.com/2018/10/10/world-mental-health-day-women-suffer-more-from-depression-than-men-in-eu-countries>2

<https://www.rainn.org/statistics/victims-sexual-violence>

نرجس عظیمی